

## متن پرسش

با سلام و تحییت خدمت شما استاد طاهرزاده: ۱. از کجا بفهمیم که داخل سلوک هستیم یا خیر؟ ۲. طلبه هستیم. به گمانم بسیاری از این علوم به درد انتقال به نسل جوان و جهاد تبیین نمیخوره. با این علوم چه کنیم؟ ۳. ما اگه اهل سلوک بشیم، درسته که آسمانی‌ها آرامش و سکونت و طمانینه بهمون می‌دهند ولی زمینی‌ها را چه کنیم؟ آخه نسبت بهشون بیگانه و منزوی میشیم. این نگرانی چطور قابل حل هست؟ ۴. بعد از مدتی تمام تدریس‌ها و مطالبتون حالت انتزاعی برای من پیدا کرده و شنیدن این مطالب اون لذت و حال خوش روزهای ابتدایی را ندارد. چاره و عیب کار چیست؟ ۵. وقتی عقل انسان رشد می‌کند و عقلانی برخی کارها و رسالت‌های بسیج را انجام می‌دهد، متوجه می‌شود که بسیاری از این کارها پوچ است. اگر عقلانی تصمیم نگیرد و خود را به دست جریانات بسپارد، عمر و وقتش تلف می‌شود. چاره چیست؟ ۶. گاهی حس می‌کنم که صدای آرام شنیده نمی‌شود و با برخی افراد باید جدال کنم تا عییشان را متوجه شوند. آیا اجازه این کار را داریم؟ ۷. دوست دارم دیگران مسئله‌دار و با مطرح کردن مسائل جدی به من رجوع کنند ولی کسی چنین رجوعی به من ندارد. گاهی حس می‌کنم عیب از دیگران است و گاهی حس می‌کنم من نمی‌تونم جوابگوی مسائل اصلی دیگران باشم. کدام مورد به واقعیت نزدیک‌تر است؟ ۸. در مواجهه با نسل جوان که بسیاری از مطالب دینی برای آنها سطحی و مضحک و بی‌فایده و کلیشه‌است، چه بگوییم؟ ۹. گاهی حس می‌کنم عمرم تمام شده است و هیچ حس معنوی برای خود و دیگران نداشته‌ام. این حس منجر به استرس شده. چاره چیست؟ ۱۰. دلم خواندن مناجات‌های چمران را می‌خواهد ولی حس می‌کنم همانها هم گاهی باز برایم کم است. چاره چیست؟ ۱۱. عبادتی که تمام فکر و حواس من جلب و معطوف به ادای صحیح حروف یا محاسبه رکعاتش هست را نمیتونم بپذیرم. اگر نسبت به ظواهر نماز کم اهمیت بشم، نماز باطله. اگر نسبت به ظواهرش اهمیت قائل باشم، چطور انتظار داشته باشم که از چنین عبادتی افق و دریچه جدیدی به روی من باز شود؟ ۱۲. گاهی حس می‌کنم کسی درکم نمیکند. چه کنم این حس از بین برود؟ ۱۳. حس می‌کنم رهایی از دنیا خوبه ولی چه کنیم که دنیا و استرس‌هاش ما رو رها نمیکند؟ ۱۴. گاهی می‌خوام با دیگران صحبت کنم ولی حس می‌کنم درونم پر از خلاء هست و نمی‌دونم چی بگم که درست باشه. رهایی از این حس چطور امکان‌پذیره؟ هرچه بگویم، خودم گرفتارش هست.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: معلوم است که هرکی در مسیری که شروع می‌کند با این نوع سؤالات و

بیش از آن‌ها روبرو می‌شود و این‌طور نیست که باید به دانه دانه آن‌ها جواب بدهد. مهم آن است که به راهی که در آن قدم گذارده، با اطمینان وارد شود □ خود راه بگویدت که چون باید کرد- و جنابعالی به عنوان طلبه در راه خوبی قدم گذاشته‌اید با این رویکرد که بالاخره این راه، راه درک قرآن و روایات انسان‌های کامل است در آن میدان است که می‌یابید علاوه بر جوابگویی به سؤالات خود می‌توانید به دیگران نیز کمک نمایید و از این جهت باید بدون پرداختن به حواشی، با جدیت تمام در راهی که شروع کرده‌اید جلو و جلوتر بروید. موفق باشید